

بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار بر شاخص‌های کالبدی

محله نای‌بند شمالی و جنوبی در شهر بندرعباس

احمد نوحه‌گر^۱

دانشیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشگاه هرمزگان

محمد مهدی حسین‌زاده

استادیار دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

رضا اسماعیلی

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور

راحله افشار

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد نور

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۲

چکیده

حاشیه‌نشینی شهری یا اسکان غیر رسمی یکی از مسائل مرکب شهری و اجتماعی در اغلب کشورها محسوب می‌شود. حاشیه‌نشینی شهری از دو جنبه قابل بررسی است که نخستین آن زائیده عدم تعادل و بیمه بیماری داخلی شهرها است و نوع دوم ناشی از هجوم عناصر غیر شهری در اثر تحولات اجتماعی است. منطقه مورد مطالعه، شهر بندرعباس مرکز استان هرمزگان با وسعتی حدود ۵۳۲۳/۵ هکتار در شمال تنگه هرمز واقع شده است. جمعیت شهر بندرعباس براساس آمار سال ۱۳۸۵، ۳۷۹۳۰۱ نفر می‌باشد. محله مورد مطالعه، محله نای‌بند است که در قسمت غربی (جنوب شرقی) شهر بندرعباس قرار دارد. محله نای‌بند به وسیله بلوار امام خمینی (ره) به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که در قسمت غرب نای‌بند جنوبی، محله خواجه عطا قرار گرفته است. بلوار شهید چمران، این محله را از محله خواجه عطا جدا می‌کند. به منظور شناخت ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و کالبدی محله نای‌بند، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های واحدهای سکونت‌ی خانوارهای محله، مورد بررسی و پیمایش میدانی قرار گرفت و در ادامه همبستگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار با شاخص‌های کالبدی محله بررسی شدند که نتایج حاصل از این مطالعه، شامل موارد ذیل می‌باشد. از بررسی‌های مرتبط با همبستگی این نتیجه حاصل شد که اکثر شاخص‌های کالبدی در ارتباط با وضعیت کالبدی در محله نای‌بند دارای همبستگی مستقیم و معنادار مثبتی هستند که بر مبنای آن می‌توان به قضاوت‌هایی در آن راستا دست یافت. مثلاً می‌توان گفت که با بهبود اوضاع اقتصادی خانوار می‌توان انتظار داشت که محلات حاشیه‌نشین به لحاظ کالبدی به یک پایداری نسبی دست یابند. اما در ارتباط با مطالعات همبستگی در مسائل اجتماعی و ارتباط آن با مسائل کالبدی، معلوم شد که اختلافات فاحشی در همبستگی مسائل اجتماعی با مسائل کالبدی می‌تواند وجود داشته باشد و همان‌طور که تحلیل شد، در نای‌بند به نوعی عدم همسویی گرایش یافته و تعارض‌هایی را به نمایش می‌گذارد.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، محله نای‌بند، بندرعباس، اسکان غیر رسمی، شهر.

مقدمه

یکی از عوارض و پدیده‌های این عصر در بسیاری از مناطق و به ویژه در جوامع در حال توسعه، گسترش بی‌حد و مرز و خارق‌العاده قطب‌های تمرکز اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، رشد غول‌آسای شهرهای بزرگ، متوقف شدن رشد طبیعی شهرهای کوچک و دورنمای خروج جمعیت از حوزه‌های روستایی است که اگر چه می‌کوشیم آن را پدیده ای طبیعی و ناشی از علل اقتصادی بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر «آهنگ توسعه» تلقی نماییم ولی در هر حال از نظر نتیجه، نوعی بحران اجتماعی و عارضه فرهنگی محسوب می‌شود و از دیدگاه انسان عاطفی و پیوندهایش دست کمی از یک «تراژدی» ندارد.

حاشیه نشینی شهری یا اسکان غیر رسمی یکی از مسائل مرکب شهری و اجتماعی در اغلب کشورها و اغلب جوامع جهان محسوب می‌شود. این پدیده در بعضی جوامع، معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری و در بعضی اجتماعات، مولود مهاجرت روستائیان و جاذبه سراب زندگی شهری و در بعضی دیگر، حاصل افزایش سرسام‌آور جمعیت در ارتباط با اوضاع رکود اقتصادی و گاهی نیز ناشی از مجموعه ای از این عوامل است. از دیدگاه دیگر می‌توان دو نوع حاشیه نشینی شهری تشخیص داد که نخستین آن زائیده عدم تعادل و بیماری داخلی شهرها و دیگری ناشی از هجوم عناصر غیر شهری در اثر تحولات اجتماعی می‌باشد (شکویی، ۱۳۵۵، ص ۲۵).

از طرفی رشد شتابان و ناموزون شهرها می‌رود که کره زمین را به یک کره شهری تبدیل کند. در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما کماکان رشد و توسعه شهرنشینی سیر صعودی و شتابانی را طی می‌نماید و همچنان هر روز که سپری می‌شود، اندیشه شکل‌گیری و پیدایش شهری جدید ظهور می‌یابد. یکی از مشکلات مهمی که امروزه شهرنشینی را با معضل فراوانی روبرو کرده است، مشکل حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی از جمله معضلات مهم شهرهای بزرگ جهان سرمایه‌داری بطور عام و کشورهای جهان سوم بطور خاص و از جمله ایران است.

در مفهوم کلی، حاشیه‌نشینی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. گرچه ریشه‌ی اصلی حاشیه نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جستجو کرد، ولی تمام حاشیه نشینان از مهاجران تشکیل نیافته‌اند. بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که ساکنان همیشگی شهر بوده اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند (عابدین درگوش، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱).

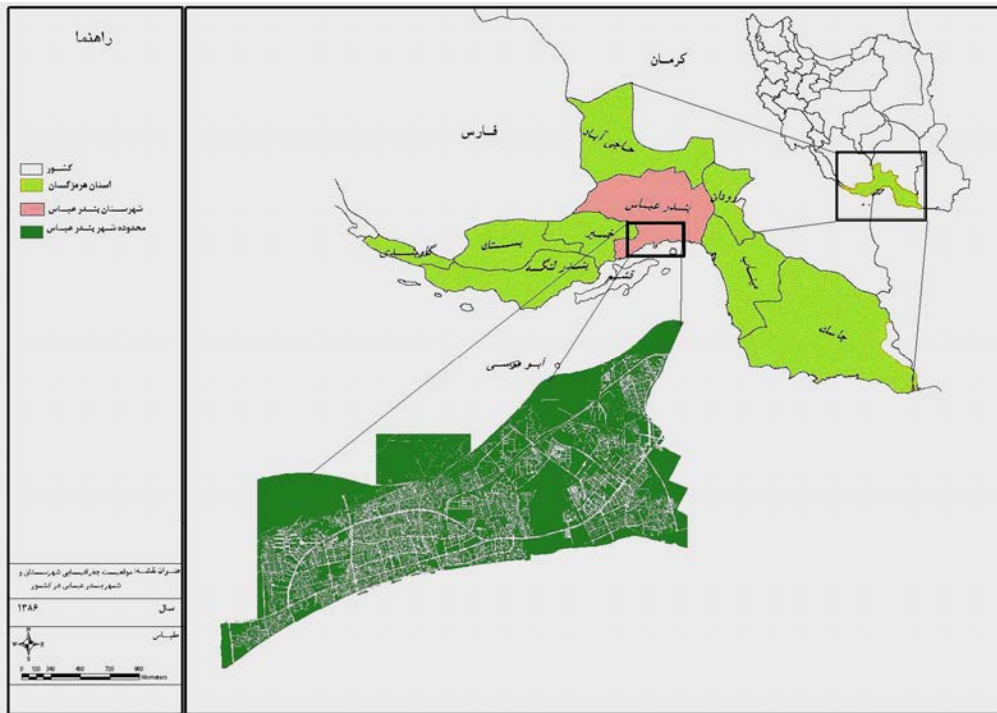
هدف این تحقیق، شناخت ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و کالبدی، ویژگی‌های جمعیت شناختی و ویژگی‌های واحدهای سکونتی خانوارهای محله نای بند در شهر بندرعباس بوده که از طریق مطالعات میدانی انجام گرفته است.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

شهرستان بندرعباس یکی از شهرستانهای استان هرمزگان است که در مرکز این استان واقع شده و مرکز آن، شهر بندرعباس است. وسعت این شهرستان ۱/۱۳۲۵۵ کیلومتر مربع است (شکل ۱).

بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان بندرعباس ۵۱۵۵۷۷ نفر بوده است که از این تعداد ۳۸۳۲۷۷ نفر (۷۴/۳۳ درصد) در نقاط شهری و ۱۳۱۹۲۲ نفر (۲۵/۷۸ درصد) در نقاط روستایی و بقیه غیر ساکن بوده‌اند. تراکم نسبی جمعیت ۳۸/۹ نفر در سال ۱۳۸۵ بوده است.

شهر بندرعباس مرکز استان هرمزگان با وسعتی حدود ۵۳۲۳/۵ هکتار در شمال تنگه هرمز و در قسمت جنوبی شهرستان در موقعیت ۲۷ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است.



شکل شماره ۱: موقعیت جغرافیایی استان هرمزگان و شهرستان و شهر بندرعباس

منبع: نوحه گر، ۱۳۸۶

جمعیت شهر بندرعباس بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، ۳۷۹۳۰۱ نفر می‌باشد. رشد جمعیت طی ۳۰ سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ بطور متوسط معادل ۶/۲ درصد بوده است که این رشد جمعیت در پی افزایش روند مهاجرت در طی دهه‌های ذکر شده در بالا رخ داده است که به دلیل تغییر موقعیت این شهر و تبدیل آن از یک تبعیدگاه در سال‌های اولیه دهه ۱۳۴۰ و قبل از آن به یک شهر مهم و سوق‌الجیشی و بخصوص در سال‌های جنگ به دلیل دور بودن این بندر، از مشکلات متعلق به دوران جنگ بوده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: تعداد و درصد رشد جمعیت شهر بندرعباس در دوره‌های مختلف زمانی بر حسب جنس

درصد رشد سالانه جمعیت در دوره‌های آماری				جمعیت در دوره‌های آماری					جنس
۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۴۵-۶۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۳/۴	۳/۲	۸/۱	۱۰/۴	۲۰۰۳۰۹	۱۴۳۱۶۶	۱۰۴۷۹۲	۴۸۰۸۴	۱۷۸۹۷	مرد
۳/۲	۳	۹/۳	۹/۱	۱۸۷۹۹۲	۱۳۰۴۱۲	۹۶۸۵۰	۳۹۸۹۷	۱۶۷۳۰	زن
۳/۳	۳/۱	۸/۶	۹/۸	۳۷۹۳۰۱	۲۷۳۵۷۸	۲۰۱۶۴۲	۸۷۹۸۱	۳۴۶۲۷	کل

منبع: مرکز آمار ایران

حاشیه نشینی و علل شکل‌گیری آن در عصر حاضر

یکی از عوارض و پدیده‌های این عصر در بسیاری از مناطق و به ویژه در جوامع در حال توسعه، گسترش بی حد و مرز و خارق‌العاده قطب‌های تمرکز اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، رشد گول آسای شهرهای بزرگ، متوقف شدن رشد طبیعی شهرهای کوچک و دورنمای خروج جمعیت از حوزه‌های روستایی است که اگر چه می‌کوشیم آن را پدیده ای طبیعی و ناشی از علل اقتصادی بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر آهنگ توسعه تلقی نماییم ولی در هر حال از نظر نتیجه نوعی بحران اجتماعی و عارضه فرهنگی محسوب می‌شود و از دیدگاه انسان عاطفی و پیوندهایش دست کمی از یک تراژدی ندارد.

حاشیه‌نشینی شهری یا اسکان غیر رسمی، یکی از مسائل مرکب شهری و اجتماعی در اغلب کشورهای جهان محسوب می‌شود. این پدیده در بعضی جوامع معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری و در بعضی اجتماعات، مولود مهاجرت روستائیان و جاذبه سراب زندگی شهری و در بعضی دیگر حاصل افزایش سرسام‌آور جمعیت در ارتباط با اوضاع رکود اقتصادی و گاهی نیز ناشی از مجموعه‌ای از این عوامل است. از دیدگاه دیگر می‌توان حاشیه نشینی شهری را از دو جنبه مورد بررسی قرار داد که نخستین آن زائیده عدم تعادل و بیماری داخلی شهرها و دیگری ناشی از هجوم عناصر غیر شهری در اثر تحولات اجتماعی می‌باشد. البته این مسئله نیز نظیر هر مسئله اجتماعی دیگر، در هر کشور و هر جامعه در ارتباط با اوضاع سنتی و فرهنگی آن کشور و جامعه، وضعی خاص و شاید منحصر به فرد دارد و از لحاظ علل و نتایج، عیناً قابل مقایسه با جامعه دیگر نیست. همچنین ناگفته نماند که حاشیه نشینی شهری با وجود ارتباط انکارناپذیری که با مشکل مسکن دارد، منحصرأ در این مسئله خلاصه نمی‌شود و شناخت جهات و جوانب آن می‌تواند ابعاد گوناگونی از نظر فرهنگی و اجتماعی ارائه دهد.

از طرفی رشد شتابان و ناموزون شهرها می‌رود که کره زمین را به یک کره شهری تبدیل کند. اکنون که وارد قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی می‌شویم در بسیاری از کشورهای جهان و بخصوص کشورهای شمال (پیشرفته) این رشد متوقف گردیده و وضعیت شهرنشینی نسبتاً تثبیت شده است. اما در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما کماکان رشد و توسعه شهرنشینی سیر صعودی و شتابانی را طی می‌نماید و همچنان هر روز که سپری می‌شود، اندیشه شکل‌گیری و پیدایش شهری جدید ظهور می‌یابد. تولد شهر جدید، به دلیل نداشتن مراحل طبیعی رشد، موجودی ناقص‌الخلقه در صحنه اجتماعی خواهد بود که صدها مشکل را یا در همان ابتدای پیدایش و یا پس از شکل‌گیری خواهد داشت. یکی از مشکلات مهمی که امروزه شهرنشینی را با معضل فراوانی روبرو کرده است، مشکل حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی از جمله معضلات مهم شهرهای بزرگ جهان سرمایه‌داری به‌طور عام و کشورهای جهان سوم بطور خاص و از جمله ایران است.

مطالعه و بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی شهرها تا قبل از گسترش صنعت، بسیار ناچیز بوده است. از زمانی که صنعت، سایه خود را بر جهان گسترش داد و موج‌های این پدیده عظیم، اقصی نقاط جهان را در بر گرفت، مشکلات اجتماعی، کم‌کم بروز و ظهور کرد و جزء مسائل حاد و قابل بررسی قرار گرفت. امروزه یکی از مهم‌ترین مسائلی که دامن‌گیر اجتماعات بشری است، مشکلات شهری است. بیشتر حاشیه‌نشینان از نظر شغلی در معرض

تهدیدند. نداشتن تخصص در بین حاشیه‌نشینان و عدم جذب آنها در اقتصاد شهری سبب گردیده است که حاشیه‌نشینان به مشاغل پست و کاذب مثل دوره‌گردی، دست‌فروشی و غیره اقدام نمایند که این امر باعث زشت شدن چهره شهر به ویژه در این مناطق گردیده است و ضمناً سبب افزایش جرایم و عدم امنیت می‌شود. ضرورت ساماندهی این مناظر و زدودن آثار غم‌انگیز آن از چهره جامعه، عزمی راسخ و استوار و وفاقی ملی می‌طلبد (اکبری، ۱۳۸۱، ص ۱).

تعاریف و ویژگی‌های حاشیه‌نشینی

در خصوص معنی و مفاهیم حاشیه‌نشینی تعاریف متفاوت از سوی پژوهشگران از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ارائه شده است. گروهی یک تعریف کلی از حاشیه‌نشینی ارائه می‌دهند، بدین معنی که مفهوم حاشیه‌نشینی به معنای اعم، شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش جدا کرده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر مهاجرین، روستایی هستند که به منظور گذران زندگی، راهی شهر شده‌اند.

گروهی هم به مسکن حاشیه‌نشینان اهمیت داده و حاشیه‌نشینی را این‌گونه تعریف می‌کنند: حاشیه‌نشینان، کسانی هستند که در سکونت‌گاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری از زادگاه خود رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند. از آنجا که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهرها ندارند، عامل پسران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه‌کشانده است (منصوریان و آیت‌اللهی، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

گروهی به بعد فیزیکی اهمیت داده و تصرف عدوانی را لازمه حاشیه‌نشینی می‌دانند: «حاشیه‌نشینی به نوعی مسکن گفته می‌شود که افراد بدون اجازه و یا پرداخت اجاره بها، مکان آنها را اشغال کرده و آن را پناهگاه خویش قرار داده‌اند». و در تعریف دیگر آمده است: «حاشیه‌نشینی یک مسئله و عارضه شهری است که منبع اصلی بزهکاری و جرم محسوب می‌شود و انواع مختلفی دارد. اگر چه حاشیه‌نشینی انواع مختلفی دارد لکن دارای الگوی مشخص جهانی است؛ افرادی که در مناطق حاشیه‌زندگی می‌کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌گردند» (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۹۰).

تاکنون تعاریف مختلفی در مورد حاشیه‌نشینی ارائه شده است که در اغلب موارد، منظور استعمال کلمه اسلوم (slum) بوده است. اسلوم به مفهوم محله یا کوچه‌های کثیف یک شهر یا مسکن انحطاط یافته و غیر منطقی در نظر گرفته می‌شود (دلیر، ۱۳۶۱، ص ۵).

و یا اینکه «منطقه حاشیه‌نشین منطقه‌ای است که فقر در چهره آن شدیداً نمایان است و میزان زاد و ولد و مرگ و میر کودکان و نوزادان و اعمال نامشروع، جرم و بزهکاری جوانان، ناهنجاری‌ها و مرگ و میر عمومی در آن بالاست به طوری که چنین مکانی معرف وضعیتی جهنم‌گونه در روی زمین است» (هیراسکار، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸).

برخی حاشیه‌نشینان را چنین نیز تعریف کرده‌اند: «حاشیه‌نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری

استفاده کند. گرچه ریشه‌ی اصلی حاشیه نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جست و جو کرد. ولی تمام حاشیه نشینان از مهاجران تشکیل نیافته‌اند. بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که ساکنان همیشگی شهر بوده اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جز حاشیه نشینان محسوب می‌شوند» (عابدین درکوش، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱).

در تعاریف زیر نیز مفهوم حاشیه‌نشینی با عنوان زاغه‌نشینی آورده شده است:

«محلات زاغه نشین آخرین چاره بازماندگان است و در تلاش بی‌امان برای بدست آوردن مزایای شهری، این محلات از نظر مدرسه، شغل، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به طور دسته جمعی فراهم می‌شود نیز بازنده هستند. محله زاغه نشین محله‌ای است که جمعیت آن نمی‌تواند در روند رقابت برای خدمات و کالاهای عمومی به نحو مؤثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه توزیع این خدمات و کالاها ندارد» (هاروی، ۱۳۷۶، ص ۷۲).

در تعریف زاغه و زاغه نشین، عبارت زیر در فرهنگ توراندایک آمده است: «بخش زاغه نشین یعنی قسمت‌های شلوغ و کثیف شهر که فقر و بیماری، جرم و جنایت در آن عمومیت دارد» (حاتمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰).
«زاغه‌ها و حلبی‌آبادها، تأسف‌بارترین شکل توسعه‌ی آشفته و بی‌قواره‌ی شهرها است» (فرید، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲).

ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین

چارلز آبرامز، کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق زاغه نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد: «ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود و می‌تواند به عنوان زاغه و یا مناطق زاغه نشین معرفی گردد» (شکویی، ۱۳۵۵، ص ۶). بنابر این تعریف می‌توان محله‌های فاقد تجهیزات شهری (آب، برق، مدرسه، درمانگاه، وسایل مناسب حمل و نقل عمومی) را در ردیف زاغه نشین طبقه بندی کرد. این مفهوم در مورد مناطق حاشیه نشین نیز کاملاً صادق است. در مطالعات شهری می‌توان ویژگی‌های همه زاغه‌ها و بخش‌های حاشیه نشین را به این شرح بیان نمود:

- ۱- واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده با تجهیزات ناقص،
- ۲- تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم،
- ۳- فقر اقتصادی مردم،
- ۴- ایجاد مرزهای پردوام در اطراف محله و جدایی گزینی مردم از سایر طبقات شهری،
- ۵- گوشه گیری مردم از همه جریانات شهری،
- ۶- عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمانهای مسئول به احتیاجات محله،
- ۷- در اغلب موارد، در ترکیب جمعیت حاشیه نشین، سهم مهاجرین روستایی بسیار زیاد است،
- ۸- زاغه‌های شهری عمر بسیار طولانی دارند، اما مناطق حاشیه نشین در یکی دو سال اخیر بوجود آمده است،

۹- حاشیه نشینان شهری مناطقی را جهت ایجاد ساختمان انتخاب کرده اند که به هنگام اشغال، نظارت قانونی و اجتماعی بر این مناطق وجود نداشته است.

مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی حاشیه نشینان به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

- مناطق حاشیه نشین در برگیرنده مکان جغرافیایی مشخصی هستند،
- منافع مشترک ساکنین را به هم پیوند می‌دهد،
- الگوهای مشترکی بر روابط اجتماعی و اقتصادی ساکنین آنها حاکم است،
- تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی بخصوص در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع خود بروز می‌دهند،

- نهادهای خاص خود را پدید آورده‌اند،

- یکدیگر را به خوبی کنترل می‌کنند،

- عمدتاً جمعیت حاشیه نشین را جوانان تشکیل می‌دهند،

علاوه بر مشخصه‌های فوق، دارای خصوصیات مشترک زیرین نیز هستند:

- در ساختن محیط مسکونی خود و در برابر عملیات تخریب، روحیه‌ای بسیار قوی جهت همکاری دارند،
- به افراد غیر ساکن در منطقه اعتماد نداشته و در مسائل خود، آنها را شرکت نمی‌دهند،
- به لحاظ عدم وجود فضای کافی، اغلب اوقات خود را در خارج از چارچوب مسکونی می‌گذرانند،
- ناهنجاریهای اجتماعی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی در حاشیه شهرها، سریع پرورش یافته و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاپچاق و فحشا در آنجا بیش از متن اصلی شهر دیده می‌شود (پیران، ۱۳۶۶، ص ۱۷).

در تحلیل شکل‌گیری اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی تا کنون نظریه‌های مختلفی ارائه شده و پژوهشگران بر اساس دیدگاه‌های مختلفی این پدیده را تبیین نموده‌اند و دلایلی مختلف جهت تبیین شکل‌گیری اسکان غیررسمی ارائه نموده‌اند از جمله: مهاجرت، فقر، بیکاری، کمبود مسکن، روابط مرکز پیرامون و وابستگی. مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه عبارتند از:

۱) دیدگاه اکولوژیک

۲) دیدگاه نابرابری

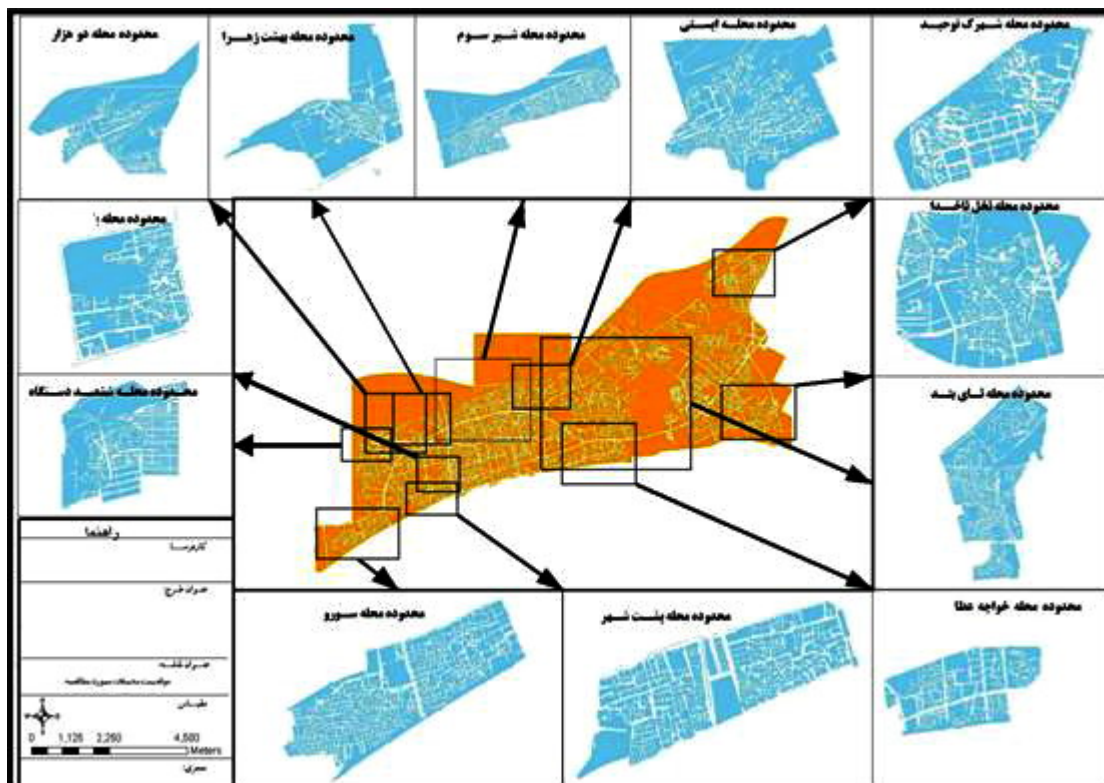
۳) دیدگاه لیبرال

۴) دیدگاه رادیکالی

معرفی محله مورد مطالعه نای‌بند (شمالی و جنوبی)

این محله در قسمت شرقی (جنوب شرقی) شهر بندرعباس قرار دارد. محله نای‌بند به وسیله بلوار امام خمینی (ره) به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که در قسمت غرب نای‌بند جنوبی، محله خواجه عطا قرار گرفته است. بلوار شهید چمران این محله را از محله خواجه عطا جدا می‌کند. در قسمت شرق نای‌بند جنوبی، خور شیلات قرار گرفته است، جنوب محله منتهی به سمت خلیج فارس است و غرب محله نیز به محله خواجه عطا محدود

می‌شود. نای‌بند شمالی از شرق به منازل مسکونی و منطقه نظامی نیروی دریایی، از سمت شمال به بلوار امام حسین (ع) و از سمت غرب به خیابان نواب صفوی محدود می‌شود. در جنوب این محله نیز نای‌بند جنوبی قرار گرفته است. مساحت محله نای‌بند شمالی و جنوبی ۲۷۶/۶۶۹ هکتار می‌باشد (شکل ۲). ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی محله حاشیه نشین «نای‌بند شمالی و جنوبی» در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در جدول ۲ نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: موقعیت محله مورد مطالعه در شهر بندرعباس

منبع: نوحه گر، ۱۳۸۶

جدول شماره ۲: ویژگی‌های عمده جمعیتی محله مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

نام محله	تعداد جمعیت	تعداد خانوار	بهد خانوار	تعداد مرد	تعداد زن	زنان باسواد	مردان باسواد	نرخ باسوادی	تعدادین (مرد و زن)	نرخ اشتغال
نای‌بند شمالی و جنوبی (۱۳۷۵)	۱۷۸۳۹	۳۳۹۵	۵/۳	۹۱۰۱	۸۷۳۸	۶۱۱۳	۷۰۰۶	۸۶/۳	۷۰۹۲	۳۷/۸
نای‌بند شمالی و جنوبی (۱۳۸۵)	۲۴۶۸۲	۴۶۹۷	۵/۳	۱۲۵۹۲	۱۲۰۹۰	۶۱۱۳	۷۰۰۶	۵۱	۵۰۸۷	۵۲/۳

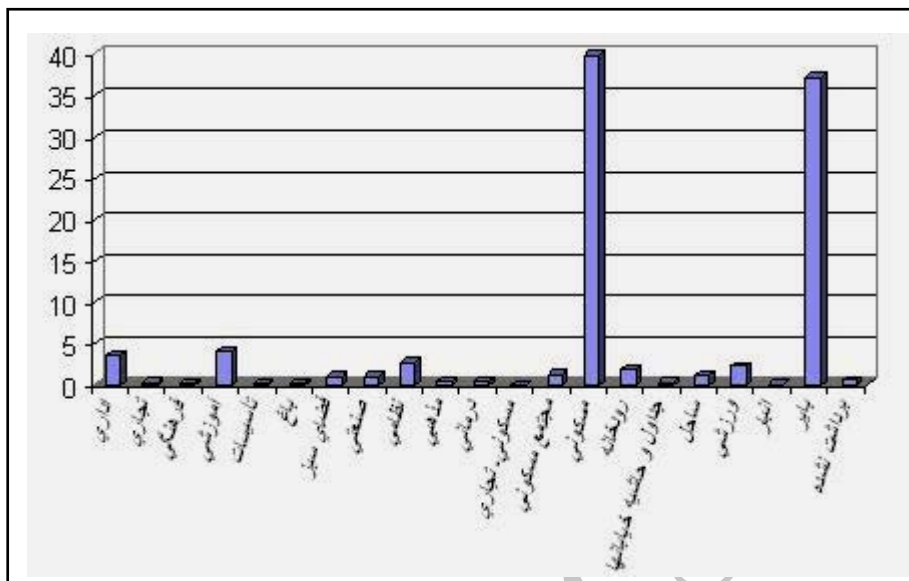
منبع: مرکز آمار ایران

نتایج تحقیق

بررسی وضع موجود کاربری‌های شهری در محله نای‌بند (شمالی و جنوبی)

هدف از مطالعات کاربری زمین، بررسی نحوه استفاده از زمین، توزیع پراکندگی کاربری‌ها و مشخص نمودن سطوح هر یک از کاربری‌ها و در نهایت دستیابی به چارچوب مشخص از نحوه استفاده از زمین است. تا از این طریق

با در نظر داشتن استانداردهای لازم و با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های محلی به برنامه‌ریزی در جهت کاربری بهینه پرداخت. مشخصات کاربری‌های عمده محله نای‌بند در شکل ۳ ارائه گردیده است.



شکل ۳: سطوح، مساحت و درصد کاربری‌های موجود در محله نای‌بند

منبع: یافته‌های تحقیق

وضعیت مالکیت اراضی (دولتی، خصوصی، وقفی) در محله مورد مطالعه

در محله مورد مطالعه، براساس تقسیم‌بندی انجام شده در شهر، به لحاظ مالکیت به ۳ دسته مالکیت عمومی (۱۶۲۰ هکتار)، مالکیت خصوصی (۱۱۵۰ هکتار) و مالکیت وقفی (۴۶ هکتار) طبقه بندی گردید.

بررسی پیمایشی و شناخت ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و کالبدی محله نای بند

الف) ویژگی‌های جمعیت شناختی

- ۱- بعد خانوار: میانگین بعد خانوار محله مورد مطالعه، ۵/۷ نفر می‌باشد که نسبت به میانگین کشوری و نیز استانی بالاست. جوانی جمعیت علت اساسی توجیه کننده بعد خانوار بالای ساکنان محله مورد مطالعه است.
- ۲- وضعیت سرپرست خانوار: اکثریت غالب سرپرست خانوارها، مردان (۹۲/۸ درصد) هستند. تنها گروه کوچکی از سرپرستان، زنان (۳/۶ درصد) می‌باشند.
- ۳- وضعیت مدت سکونت در همین مسکن: مشاهدات نشان می‌دهد که محله نای بند شمالی و جنوبی از ساکنین قدیمی برخوردارند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: مدت سکونت در همین مسکن به درصد در محله مورد مطالعه

محل مورد مطالعه	۱-۱۰	۱۰-۲۰	۲۰-۳۰	۳۰-۴۰	۴۰ سال به بالا
نای بند شمالی و جنوبی	۵۹	۳۷/۳	۰	۰	۲/۴

منبع: یافته‌های تحقیق

- ۴- مبداء مهاجرت: براساس مشاهدات میدانی و درصدهای بدست آمده ملاحظه می‌شود که اکثر حرکات جمعیتی، درون شهری است و مهاجرت در داخل شهر بندرعباس (۷۵/۹٪) و بین محلات، بیشتر از شهرستان بندرعباس (۳/۶٪) و سایر مکان‌های شهری و روستایی استان و کشور (۲۰/۵٪) است.

۵- **دلیل عمده مهاجرت سرپرست خانوار:** در مطالعه مذکور از مجموع ۱۶۹ پرسشنامه تکمیل شده، ۲۱/۳ درصد برای یافتن کار، ۲/۳ درصد برای تحصیل، ۰/۵ درصد به انگیزه رفاه، ۱/۸ درصد به منظور کسب درآمد، ۰/۵ درصد به علت خشکسالی، ۲/۸ درصد به انگیزه ازدواج و ۴۲/۴ درصد با انگیزه‌های مختلف مهاجرت نموده‌اند.

۶- **علت انتخاب این محله برای سکونت:** ملک پدری (۴۴/۶٪) دلیل بیشتر افراد جهت مهاجرت به محله بشمار می‌آید که فرزندان نیز به همین دلیل از سایر نقاط شهری به محلات پدری مهاجرت کرده‌اند و در نتیجه ی همین امر است که مهاجرت درون شهری در شهر بندرعباس و بخصوص محله مورد مطالعه بیشتر از سایر انواع مبادی مهاجرت می‌باشد. دلایل دیگر انتخاب محله برای سکونت شامل آشنایان (۱۳/۳٪)، نزدیکی به محل کار (۳/۶٪)، ناتوانی مالی (۴/۸٪)، ارزانی (۶/۹٪) و سایر (۲۰/۵٪) می‌باشد.

۷- **مدت سکونت در محله:** این شاخص از آن جهت اهمیت دارد که هر چه عمر سکونت بیشتر باشد تعلق و علقه مکانی بیشتری نیز ایجاد می‌گردد و یکی از شاخص‌های مناسب برای تشخیص چگونگی شکل‌گیری محله است. میانگین مدت سکونت در محله نای بند شمالی و جنوبی ۲۲ سال می‌باشد.

۸- **وضع فعالیت‌ها در محله:** عرضه نیروی کار بدون مهارت و تخصص‌های لازم، بیکاری را برای ساکنان این محله به ارمغان آورده است. وضع فعالیت در محله شامل شاغل (۵۳٪)، بیکار (۹/۸٪)، خانه‌دار (۲۳/۲٪)، درآمد بدون کار (۳/۷٪) و سایر (۳/۷٪) می‌باشد.

۹- **ترکیب مشاغل در محله:** ترکیب مشاغل و سهم نسبی هر یک از مشاغل در مجموعه فعالیت ساکنان محله، می‌تواند تصویر روشنی از وضعیت اقتصادی- اجتماعی این محلات ارائه دهد. درجه مهارت شغلی شامل کارمند (۱۹/۲٪)، کارگر ماهر (۱۷/۹٪)، کارگر نیمه ماهر (۲۴/۴٪) و ساده (۲۸/۲٪) می‌باشد.

ب) ویژگی‌های واحدهای سکونتی خانوارهای محله

۱- **سکونت در واحد مستقل:** ترجیح اکثریت خانوارهای محله، زندگی در واحد مسکونی مستقل است. از اینرو، واحدهای مسکونی عموماً تک خانواری است. از این تعداد، یک خانوار (۷۵/۹٪)، دو خانوار (۱۶/۹٪) و دو خانوار به بالا (۷/۲٪) می‌باشند.

۲- **مساحت زمین واحد مسکونی:** بیشترین قطعات تفکیکی در محدوده ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر مربع قرار دارند و کمترین مقدار به لحاظ درصد قطعات تفکیکی ۴۰۰ متر به بالا را شامل می‌گردد. الگوی انتخابی ساکنان برای مساحت زمین مسکونی در دامنه میانگین ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر مربع قرار گرفته است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: درصد ابعاد قطعات تفکیکی- مسکونی به درصد در محله مورد مطالعه

محل مورد مطالعه	متر ۰-۱۰۰	متر ۱۰۱-۲۰۰	متر ۲۰۱-۳۰۰	متر ۳۰۱-۴۰۰	۴۰۰ متر به بالا
نای بند شمالی و جنوبی	۱۴/۵	۴۹/۴	۱۹/۳	۹/۶	۷/۲

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- **مساحت زمین آزاد واحد مسکونی:** کوچکی قطعات تفکیکی سبب شده است که مساحت زمین آزاد واحد مسکونی محلات هدف بسیار کوچکی باشد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: درصد سطح زیربنا و مساحت زمین آزاد واحد مسکونی به درصد در محله مورد مطالعه

محله مورد مطالعه		۰-۵۰ متر	۵۱-۱۰۰ متر	۱۰۱-۱۵۰ متر	۲۰۰-۱۵۱ متر	۲۰۰ متر به بالا
نای بند شمالی و جنوبی	زیربنا	۴/۸	۳۳/۷	۳۲/۵	۱۴/۵	۱۴/۵
	آزاد	۶۳/۹	۱۵/۷	۱۰/۸	۴/۸	۳/۶

منبع: یافته‌های تحقیق

۴- **تعداد طبقات:** در محله مورد مطالعه، ۹۴ درصد ساختمان‌ها یک طبقه، ۳/۶ درصد دو طبقه و ۲/۴ درصد سه طبقه و بیشتر می‌باشند.

۵- **وضعیت سند ساختمانی:** در محله مورد مطالعه، ۳۷/۳ درصد سندها ثبتی، ۴۳/۴ درصد سندها قولنامه‌ای، ۴/۸ درصد سندها سایر و ۱۴/۵ درصد سند ندارد.

۶- **عوامل ساخت واحد مسکونی:** یکی از ویژگی‌های پهنه‌های فرودست شهری «ساخت و سازه‌های شتابان» و «خود تولیدی» است. در این ساخت و سازها معمولاً خود مالک بجای بنا، نجار،... عمل می‌کند و از عوامل اصلی سازنده مسکن به شمار می‌رود. درصد شرکت عوامل مختلف ساخت مسکن به درصد در محله شامل بنای ماهر (۲۴/۱٪)، مالک به تنهایی (۴۷٪)، مالک با کمک آشنایان (۱۴/۵٪) و سایر (۱۳/۳٪) می‌باشد.

۷- **پایداری واحد مسکونی:** ساخت شتابان، خود تولید، عدم مهارت و ساخت شتابان وقتی با مشکلات تأمین مالی ترکیب شود نتیجه‌ای جزء واحدهای مسکونی ناپایدار را نخواهد داشت. وضعیت پایداری بناها شامل پایدار (۵۶/۶٪)، نیمه پایدار (۳۶/۱٪) و ناپایدار (۷/۲٪) می‌باشد.

ناپایداری مساکن و نیمه پایداری آنها خود بخود سبب ایجاد و گسترش بافت‌های فرسوده در محلات غیر رسمی شده است که بنا بر تحقیقات مرسوم در مطالعات بافت‌های فرسوده نیازمند بازسازی و نوسازی هستند. این بافت‌ها در مقابل زلزله، سیل و سایر بلایای طبیعی و انسانی از قبیل جنگ و بمباران‌های احتمالی، بسیار ضعیف عمل نموده و جان و مال ساکنین را به مخاطره می‌اندازند.

۸- **نمای ظاهری واحد مسکونی:** وضعیت نمای ظاهری واحدهای مسکونی محله مورد مطالعه شامل سنگ (۱/۲٪)، آجرنما (۶٪)، آجر معمولی (۳/۶٪)، سیمان (۴۷٪)، سرامیک (۲/۴٪) و بدون نما (۳۹/۸٪) می‌باشد.

۹- **نحوه تصرف واحد مسکونی:** ساکنان محله عمدتاً مالک عرصه و عیان محل سکونت خود هستند. در محلات قدیمی‌تر این سهم بیشتر است. وضعیت مالکیت در نای بند شمالی و جنوبی شامل ملکی عرصه و عیان (۶۶/۳٪)، ملکی عیان (۷/۲٪)، اجاره‌ای (۱۲٪)، سازمانی (۰)، مجانی (۱۰/۸٪) و اظهار نشده (۳/۶٪) می‌باشد.

۱۰- **بهره‌مندی از خدمات زیربنایی:** اکثریت قریب به اتفاق محله از آب لوله کشی (۹۸/۸٪)، فاضلاب (۶۰٪)، دفع زباله (۲۰/۵٪)، تلفن (۸۴/۳٪) و برق (۱۰۰٪) بهره‌مند هستند. روش دفع زباله، نقطه ضعف محله است.

نتایج بررسی همبستگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار با شاخص‌های کالبدی محله

۱- **وضعیت اقتصادی خانوار و مصالح عمده بکار رفته در ساختمان:** بر اساس اعمال روش تحلیل همبستگی در اطلاعات مربوط به وضعیت اقتصادی محله نای بند با مصالح عمده بکار رفته در ساختمان مشخص شد که

ضریب همبستگی برابر با ۱۶۲/۱ است. به عبارتی افزایش درآمد، سبب افزایش تمایل افراد به استفاده از مصالح مقاوم و با دوام در محله نای بند شده است.

۲- وضعیت اقتصادی خانوار و تعداد طبقات: در این شاخص، تحلیل همبستگی ضریب ۰۴۴/۱ را بین وضعیت اقتصادی و تعداد طبقات در محله نای بند نشان می‌دهد. یعنی افزایش رفاه اقتصادی برابر است با افزایش میل به مرتفع سازی و آپارتمان نشینی.

۳- وضعیت اقتصادی خانوار و مصالح بکار رفته در نمای ظاهری ساختمان: همچنین تحلیل همبستگی درونی بین شاخص‌های وضعیت اقتصادی و نمای ساختمان نشانگر ضریب ۱۷۹/۱ است. با توجه به اینکه نای بند در قسمت میانی شهر قرار گرفته است، ساکنین به نمای مساکن خود بیش از سایر نقاط توجه نموده اند. این مسئله در ارتباط با همه محلات حاشیه شهر صادق است. در بررسی‌های میدانی نیز مشاهده شد که محلات واقع در کناره‌های شهر نسبت به مرکز شهر کمتر به نوسازی و زیبا سازی نمای ساختمان خود اهمیت می‌دهند و هر چه محلات به مراکز شهر نزدیک می‌شوند بر غنای نمای آنها افزوده می‌شود.

۴- وضعیت اقتصادی خانوار و قیمت ساختمان: بررسی و تحلیل همبستگی، نشانگر ضریب همبستگی ۳۶۱/۱ است. به عبارتی در این محله، همبستگی معنادار و مستقیم در سطحی بالاتر تایید کننده همبستگی وضعیت اقتصادی خانوار و قدرت خرید ساختمان در محله است. با این بیان می‌توان به اهمیت نقش اقتصاد شهری در زندگی و شئون مختلف شهری تاکید داشت.

۵- وضعیت اقتصادی خانوار و شیوه ساخت: پایداری، نیمه پایداری و ناپایداری بافت مسکونی نیز در محله نای بند مورد توجه و تحلیل همبستگی قرار گرفت. ضریب همبستگی بدست آمده در نای بند ۰۸۱/۱ محاسبه گردید. همانطور که گفته شد این کاهش با جایگزینی نای بند در نزدیکی به مرکز شهر قابل توجیه است. اگرچه به لحاظ اقتصادی به توانمندی‌هایی در محله می‌توان اشاره داشت، لکن به دلیل محدودیت‌های فضایی مرکز شهر بافت‌های ناپایدار، به زمان بیشتری برای تخریب یا نوسازی در جهت پایداری نیازمند می‌باشند.

۶- وضعیت اقتصادی خانوار و تسهیلات مسکن و خانوار: تسهیلات بیشتر به ارائه توسط دولت وابسته است و میزان دخالت دولت و ارگان‌های مدیریت شهری را در محله مورد مطالعه منعکس می‌کند. در محله نای بند ضریب همبستگی در این شاخص برابر با ۰۹۴/۱ است. افزایش ضریب، نشان از برخورداری در سطح محله می‌باشد.

۷- وضعیت اقتصادی خانوار و تجهیزات زندگی: در بررسی‌های بعمل آمده از مجموع محلات، ضریب همبستگی کل وضعیت اقتصادی خانوار با تجهیزات زندگی برابر با ۱۸۶/۱ تعیین شد که نشان از همبستگی مستقیم، مثبت و معنادار در برخورداری از تجهیزات شهری است. یعنی سرپرست‌های خانوار تا حد امکان در تامین تجهیزات زندگی موفق عمل نموده اند. این وضعیت در محله نای بند با ضریب همبستگی ۱۹۲/۱ محاسبه گردید که همسویی در شمول تجهیزات زندگی را با کل محلات حاشیه نشین نشان می‌دهد.

۸- وضعیت اجتماعی محله با کیفیت کلی ساختمان: در این مرحله نیز وضع سواد، سطح تحصیلات و وضع فعالیت در ارتباط با مصالح عمده ساختمان، نما و شیوه ساخت در ارتباط همبستگی قرار گرفتند و ضریب به دست آمده به ترتیب برابر با ۱۹۲، ۰۹۸، ۱۱۱ و محاسبه شد.

در نهایت باید گفت که در تعمیم مسائل اجتماعی در محلات حاشیه نشین باید جانب احتیاط را رعایت نمود و از تعمیم‌های بی اساس دوری جست.

جمع‌بندی مطالعات و نتیجه‌گیری و ارائه راه کار

سترگ‌ترین نیروی مهاجرت زا، نیروی‌های کشتی مهاجرت است و تاکنون نیروی‌های رانشی نقش ناچیزی در ایجاد مهاجرت داشته‌اند. یافتن کار و بهره‌مندی از رفاه بیشتر شهری اصلی‌ترین نیروی کشش به مرکز یا شهر را به وجود آورده است و نیروهای رانشی مثل خشکسالی و بلایای طبیعی بسیار کم اثر بوده‌اند. در محله مورد مطالعه، یافتن کار و بهره‌مندی از رفاه بیشتر شهری بیشترین نیروی مهاجرت را به وجود آورده‌اند. اما باید توجه داشت که یافتن کار در شهر، چند برابر بهره‌مندی از رفاه بیشتر شهری اثر گذار بوده است. کشش به مرکز کار و فعالیت یا شهر، بیش از ۷۰ درصد کشش مهاجرت را پدید آورده است.

بنابراین مؤثرترین ابزار سیاسی برای تأثیرگذاری بر روند مهاجرت، ایجاد کار در مبادی مورد نظر خواهد بود. ایجاد رفاه در مبادی مورد نظر نمی‌تواند نیروی بازدارندگی داشته باشد، هم به لحاظ سهم اندک آن در بازدارندگی و هم به لحاظ اینکه جویانگان رفاه بیشتر الگویی از رفاه را تقاضا دارند که به هیچ وجه در مقیاس خرد، قابل تأمین نیست. مهاجرت، نتیجه منطقی عدم تعادل در توزیع فرصت‌های شغلی است.

همانطور که از بررسی‌های مرتبط با همبستگی عاید شد، اکثر شاخص‌های کالبدی در ارتباط با وضعیت کالبدی در محله نای بند دارای همبستگی مستقیم و معنادار مثبتی هستند (چنانچه مقدار بدست آمده در تحلیل همبستگی کمتر از ۵ درصد باشد، معنادار بودن ضریب را نتیجه گرفته ایم) که بر مبنای آن می‌توان به قضاوت‌هایی در آن راستا دست یافت (جدول شماره ۷). مثلاً می‌توان گفت که با بهبود اوضاع اقتصادی خانوار می‌توان انتظار داشت که محلات حاشیه نشین به لحاظ کالبدی به یک پایداری نسبی دست یابند.

اما در ارتباط با مطالعات همبستگی در مسائل اجتماعی و ارتباط آن با مسائل کالبدی، اگرچه مجموع همبستگی‌ها در کل محله، همسویی‌هایی را به نمایش گذاشت، اما با دقت بیشتر معلوم شد که اختلافات فاحشی در همبستگی مسائل اجتماعی با مسائل کالبدی می‌تواند وجود داشته باشد که به نوعی عدم همسویی گرایش یافته و تعارض‌هایی را به نمایش می‌گذارد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که در ارتباط با مسائل اجتماعی و پایداری بافت کالبدی محله حاشیه‌نشین نای بند با احتیاط عمل شود و حتی الامکان ملاحظات اجتماعی در بافت کالبدی مناطق غیررسمی در قالب مطالعات مجزا مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.

به عبارت دیگر رشد ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهر به نوبه خود سبب رشد ظرفیت‌های محله‌ای به لحاظ اقتصادی و اجتماعی خواهد شد و نتیجه مستقیم این ارتقا نیز خود را در شرایط کالبدی محله منعکس خواهد ساخت. شاهد این مدعا نیز نتایج همبستگی ناشی از مطالعات پیمایشی در این بررسی است.

جدول شماره ۷: همبستگی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار با شاخص‌های کالبدی محله‌نایبند

ردیف	وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار با شاخص‌های کالبدی	ضریب تاو-کندال
۱	وضعیت اقتصادی خانوار و مصالح بکار رفته در ساختمان	۰/۱۶۲
۲	وضعیت اقتصادی خانوار و تعداد طبقات	۰/۰۴۴
۳	وضعیت اقتصادی خانوار و مصالح بکار رفته در نمای ظاهری ساختمان	۰/۱۷۹
۴	وضعیت اقتصادی خانوار و قیمت ساختمان	۰/۳۶۱
۵	وضعیت اقتصادی خانوار و شیوه ساخت	۰/۰۸۱
۶	وضعیت اقتصادی خانوار و تسهیلات مسکن و خانوار	۰/۰۹۴
۷	وضعیت اقتصادی خانوار و تجهیزات زندگی	۰/۱۹۲
۸	وضعیت اجتماعی با مصالح عمده بکار رفته ساختمان	۰/۱۹۲
۹	وضعیت اجتماعی با نمای ساختمان	۰/۰۹۸
۱۰	وضعیت اجتماعی با شیوه ساخت ساختمان	۰/۱۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

مجموع مطالعات پایه ای و پرسشگری از افراد محله نای بند، ما را به این واقعیت رهنمون کرد که متأسفانه در دهه‌های گذشته عزم چندانی (و یا برنامه‌های اصولی و هدفمند مشخصی) برای کنترل و هدایت و سازماندهی فضاهای نابسامان شهری وجود نداشته است و اقدامات مدیران در دو حوزه کنترل فیزیکی (که عملاً پاسخ منطقی حاصل نکرده است) و ارائه خدمات محدود خلاصه می‌شده است.

احیای محورهای اصلی، تسطیح شبکه عبور و مرور و جدول‌گذاری و ارائه خدمات عمومی زیربنایی، از جمله اقدامات اولیه‌ای است که مدیریت شهری، بدون در نظر گرفتن یک ساختار هدفمند جهت مشارکت محلات و گروه‌های اجتماعی ساکن آنها در جهت «مدیریت و توسعه پایدار شهری» اعمال کرده است.

طرح‌های تنظیم شده در قالب دو طرح جامع و تفصیلی شهر (۱۳۴۳ و ۱۳۶۹) نیز نگاه ویژه‌ای را به صورت مجزا به بافت‌های حاشیه‌ای و نابسامان شهر نداشته و صرفاً تلاش شده تا مسئله از دریچه یک طرح توسعه فیزیکی (با همان استانداردها و فرم‌ها) و بدون ارائه مکانیسم بکارگیری مشارکت‌های مردمی، تحلیل و طراحی شود. در کنار این طرح که نتیجه مطلوبی را بر شکل‌گیری ساخت و سازمان فضایی کنونی بندرعباس نداشته است، طرح‌های موضعی نیز نظیر طرح توانمندسازی بافت ۱۰هکتاری «محدوده غرب خورگورسوزان» به شکل کلان مسائل را تحلیل و تدوین نکرده‌اند و صرفاً تلاش شده است تا مسئله بصورت جزئی و سلول‌وار مورد ملاحظه قرار گیرد.

بهرحال تصویر ایجاد شده در سطح استان، شهرستان و شهر بندرعباس در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حکایت از بحران نهفته و واقعیتهای آشکار در شهر دارد که نمود فیزیکی و عینی خود را در سطح محلات گسسته، ناپایدار و مسئله‌دار شهری نمایان ساخته است. بی‌تردید طراحی یک استراتژی عمومی برای شهر در جهت دستیابی به «توسعه یکپارچه و پایدار شهری» علاوه بر الزامات محلی و شهری، الزامات استانی و حتی ملی را نیز طلب می‌کند که این پژوهش امیدوار است با شناخت حاصل شده از محدوده‌های منتخب در ترسیم آن موفق باشد.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در ارتباط با مسائل اجتماعی و پایداری بافت کالبدی محلات حاشیه نشین، با احتیاط عمل شود و حتی الامکان ملاحظات اجتماعی در بافت کالبدی مناطق غیررسمی در قالب طرح‌هایی مجزا با اعتباراتی جداگانه مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.

منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۰)، مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامد آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
- احمدیان، علی (۱۳۸۲)، افزایش جمعیت شهری ازدیدگاه برنامه ریزی شهری، مجله عملی پژوهشی جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۲.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مسکن نابهنجار، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴ چهارم.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مسکن نابهنجار، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، پنجم.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، آلونک نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴ هفتم.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین ریسی فرد، کار تأمین اجتماعی.
- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۲)، اسکان غیررسمی در کلان شهر مشهد: شهر غیررسمی ساختمان؛ مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۶۱)، حاشیه نشینان تبریز، دانشگاه تبریز.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی، دانشگاه شیراز.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰، بندر عباس.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، عکس‌های هوایی شهر بندرعباس، طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
- شکویی، حسین (۱۳۵۵)، «حاشیه نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن»، تبریز، انتشارات موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، شماره ۱۷- سلسله شهرشناسی، شماره ۵.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۴)، سیری در مباحث توسعه فضایی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستا-شهری» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم شماره ۳، ۱۳۸۰.
- عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۰)، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی چاپ سوم.
- فرید، یداله (۱۳۶۸)؛ جغرافیا و شهرشناسی؛ تبریز: دانشگاه تبریز.
- محمدپور، فاطمه (۱۳۸۶)، بررسی روند تغییر کاربری مسکونی محلی به مسکونی توریستی در شهرک نمک آبرود چالوس، رشت: دانشگاه آزاد رشت.
- مرادی، محمود (۱۳۷۰)، عوامل موثر در توسعه کالبدی شهر بیرجند (از قاجاریه تا کنون با تأکید بر سه دهه اخیر)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی،
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استان هرمزگان، شهرستان بندر عباس، سالهای ۸۵-۱۳۳۵.
- سازمان مسکن و شهر سازی استان هرمزگان (۱۳۸۲)، آمار گیری جمعیتی شهر بندرعباس، نشریه شماره ۴۳.

مشاور پدید آّب (۱۳۸۴)، طرح بهسازی و توسعه شبکه توزیع آب مشروب شهر بندرعباس جلد اول انتشارات شرکت مهندسين - مهر

منصوریان، محمدکریم و آیت‌اللهی، سیدعلیرضا (۱۳۵۶)، «حاشیه نشینان شیراز»، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز. نوحه گر، احمد (۱۳۸۶)، مطالعه کالبدی مناطق حاشیه‌نشین شهر بندرعباس، معاونت برنامه ریزی استانداری هرمزگان، دانشگاه هرمزگان، پژوهشکده هرمز.

نوریان، محمد (۱۳۸۰)، نقش مهاجرت‌های روستایی بر رشد فیزیکی شهر کوه‌دشت (بعد از انقلاب اسلامی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.

هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر؛ ترجمه فرخ حسامیان و دیگران؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

هیراسکار، جی کی (۱۳۷۶)، درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه ی محمد سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد؛ تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

Archive of SID